

فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۹۴، صفحات ۳۵-۷۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۰۶/۱۰

پژوهشی در باب رابطه بین دینداری و سبک زندگی (مورد مطالعه: شهروندان کلان شهر تهران)

سیدسعید حسینی زاده آرانی^۱

ایوب سخایی^۲

مسعود غفاری^۳

چکیده

سبک‌های زندگی در دوران مدرن نه فقط شکل دهنده هویت شخصی و اجتماعی‌اند بلکه خود متأثر از عوامل بسیاری همچون دین و باورهای مذهبی می‌باشند. دین، نه تنها مردم را نسبت به برخی از سبک‌های زندگی در قیاس با سبک‌های دیگر ترغیب می‌نماید بلکه در شکل دهی به هویت‌های متناسب با آن سبک‌های زندگی، تأثیر شگرفی دارد. بر این اساس، هدف از مطالعه حاضر، بررسی ارتباط میان میزان دینداری و نوع سبک زندگی شهروندان کلان‌شهر تهران می‌باشد. بدین منظور، با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه، ۵۲۴ نفر از شهروندان ۱۸ سال و بالاتر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده و مورد مصاحبه قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزارهای SPSS و لیزرل نشان می‌دهد که میزان دینداری شهروندان تهرانی در حد متوسط رو به بالا بوده و از منظر وضعیت

۱ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان hoseynizadeh69@ut.ac.ir

۲ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان Sakhaei84@yahoo.com

۳ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان ghafari.m69@gmail.com

سبک زندگی، ۴۶٪ در قلمرو سبک سنتی، ۲۷٪ در قلمرو سبک مدرن و ۲۶٪ نیز در قلمرو تلفیقی از سنتی و مدرن جای گرفته‌اند. در بخش یافته‌های استنباطی، داده‌ها نشان دادند که رابطه معناداری بین میزان دینداری افراد و سبک زندگی آنها وجود دارد؛ میزان دینداری افرادی که سبک زندگی سنتی دارند، در سطحی بالاتر از افرادی قرار می‌گیرد که گرایش به مولفه‌های سبک زندگی مدرن دارند. مدل‌سازی معادلات ساختاری نیز حاکی از تأیید نتیجه فوق بود؛ با کاهش میزان دینداری، سبک زندگی با شدتی ضعیف، مدرن‌تر خواهد شد.

کلید واژه‌ها: دینداری، سبک زندگی سنتی، سبک زندگی بینابین، سبک زندگی مدرن.

مقدمه و طرح مسئله

در حوزه علوم اجتماعی حدود یک قرن از کاربرد اصطلاح سبک زندگی می‌گذرد و در این مدت، به طور فزاینده‌ای مورد توجه اندیشمندان و محققان قرار گرفته است و یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم در علوم اجتماعی نوین تلقی می‌گردد چندان که در بررسی‌های اجتماعی- فرهنگی معاصر، به تدریج همان جایگاهی را یافته است که در دهه‌های قبل، مفاهیمی مانند طبقه و منزلت اجتماعی دارا بودند. محققان اصطلاح سبک زندگی الگویی منسجم از رفتارهای فردی و جمعی می‌دانند (وبر، ۱۳۸۷: ۲۱۵) که در عرصه‌های خاصی از زندگی به صورت نمادین بروز می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۷) و بر محورهای مصرف، اصول اخلاقی، ارزشی و زیبایی شناختی (وبلن^۱، ۱۳۸۳: ۱۳) یا مجموعه‌ای از عوامل بیرونی از قبیل سن، درآمد، جنسیت و یا حتی جغرافیا انسجام می‌یابد و مستلزم انتخاب از میان عناصر متنوع و گوناگون ناشی از

دنیای جدید و مدرنیته است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۱). این انتخاب تحت سیطره محدودیت‌های ساختاری هر طبقه و گروه منزلتی بوده و حول محور مصرف سامان می‌یابد. عنصر مصرف نیز خود زائده سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد و با آن تعامل دوسویه دارد (Bourdieu, 1984: 217) و در نهایت به عنوان شناسا به هویت‌بخشی افراد، طبقات و گروه‌های منزلتی منجر می‌گردد که علاوه بر وحدت، تمایز را به همراه دارد. گیدنز پیدایش اصطلاح سبک‌زندگی را محصول بازاندیشی در دنیای مدرن می‌داند. دنیای مدرن و نشانه‌ها و تحولات آن همچون گسترش و پیشرفت وسایل فن‌آورانه و ارتباطی، افزایش سرمایه فرهنگی در خانواده‌ها و دسترسی فراوان به این عناصر، در شکل‌دهی به سبک‌های زندگی متفاوت و به تبع آن شکل‌دادن به هویت‌های متناسب با آن سبک‌زندگی، تأثیرات فراوان و انکار نشدنی دارند چراکه تنوع در سبک‌های زندگی، محصول دنیای مدرن یا جامعه‌ای است که تحت نفوذ و تأثیر مدرنیته قرار دارد (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۴). به باور گیدنز و بسیاری از دیگر صاحب‌نظران این حوزه، سبک زندگی با انتخابی شدن زندگی روزمره معنا پیدا می‌کند؛ برخلاف جوامع سنتی، در جامعه معاصر به واسطه اهمیت یافتن خود و مسئولیت شخصی و ظهور جامعه مصرفی در زندگی، قدرت انتخاب نیز بیشتر شده است و سبک‌های زندگی به بازنمودهایی از هویت و انتخاب‌های فردی بدل گشته‌اند (گیدنز، ۱۳۷۸). بر پایه همین واقعیت است که سبک زندگی راهی برای تعریف ایستارها، ارزش‌ها و همچنین نشان‌گر ثروت و موقعیت اجتماعی افراد قلمداد می‌گردد. مطالعات نشان می‌دهند علی‌رغم اینکه سبک‌های زندگی در دوران مدرن، سبب‌ساز شکل‌گیری هویت‌های فردی و اجتماعی هستند، با

این حال همین سبک‌ها متأثر از عوامل بسیاری چون اقتصاد، سیاست، فرهنگ و همین‌طور مذهب و ارزش‌های دینی هستند.

مذهب حقیقتی است که در جنبه‌ها و ابعاد گوناگون زندگی انسان حضور قابل توجهی داشته و به عنوان یکی از پنج نهاد اصلی هر اجتماعی، جایگاهی خاص در تقسیم‌بندی جامعه‌شناسان دارد. دین غالباً می‌تواند عامل نیرومند تعیین‌کننده پدیده‌های اجتماعی باشد، به نهادها شکل بدهد، بر ارزش‌ها تأثیر بگذارد و روابط را زیر نفوذ خود بگیرد (رضادوست و همکاران، ۱۳۹۰: ۴). دین همچون یک سرمایه نقشی تأثیرگذار بر کنش و انتخاب سبک زندگی و نحوه مصرف فرهنگی و مادی افراد دارد و نه تنها مردم را نسبت به برخی از سبک‌های زندگی در قیاس با سبک‌های دیگر ترغیب می‌کند بلکه می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کنترل فرهنگ مصرفی و سبک‌های زندگی مصرفی داشته باشد (باکاک^۱، ۱۳۸۱: ۱۷۷). تأثیر دین بر سبک زندگی اگرچه در زمینه‌های اجتماعی گوناگون تغییر می‌پذیرد، اما واقعیتی با ارزش جامعه‌شناختی بسیار بالاست. این مسئله به‌ویژه در کشورهای مشهود است که دین در عرصه عمومی آنها به شدت تضعیف شده است. ادیان به علت عرضه انبوهی از ارزش‌های متفاوتی و اخلاقی و همچنین ارائه طیفی از رفتارهای سنتی که می‌توانند عناصر سازنده سبک زندگی باشند، قادرند نقش فعالی در ایجاد یا تغییر سبک زندگی ایفا نمایند (هاشمیان‌فر و همکار، ۱۳۹۲: ۱۵۵). در این میان با توجه به نقش فعال دین در جامعه ایران به ویژه در سده‌های اخیر، نمی‌توان آثار آن و همین‌طور ارزش‌های دینی و اخلاقی را به عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار اجتماعی در شیوه زندگی،

1- Bock

مورد اغماض قرار داد، چراکه در پی تحولات صورت گرفته در جامعه مدرن و با نگاهی ژرف به جامعه ایران متوجه می‌شویم که مدرنیته، سامان اجتماعی مبتنی بر اخلاق منبث از آموزه‌ها و مناسک دینی جامعه‌مان را به هم زده است و توسعه عقلانیت، پایه‌های قطعیت را به شدت سست کرده و به تفاوت‌های فردی در تفکر و سبک زندگی میدان داده است. این توسعه عدم قطعیت و فردگرایی در جهان مدرن، با تمایل ادیان به حقایق دینی قطعی و همچنین یکسانی سبک زندگی در تعارض قرار گرفته و تغییرات زیادی را در ذهن و ضمیر افراد و نیز مختصات نهادهای دینی جدید به وجود آورده است (رحمانی فیروزجاه و سهرابی، ۱۳۹۲: ۴۰). به طور کلی، مطالعه این مسئله که میزان دینداری و سطوح آموزه‌ها و باورهای دینی تا چه اندازه با سبک زندگی در ارتباط می‌باشد، فتح باب مناسبی برای بررسی‌های دیگر در ارتباط با ابعاد و سنخ‌های مختلف زندگی ایرانیان خواهد بود. به بیان دیگر، با توجه به تغییراتی که ممکن است در جلوه‌های دیندارانه افراد اتفاق افتاده باشد، آیا همچنان می‌توان به رابطه و تأثیر متغیر دین در سبک زندگی حکم داد؟ لذا، روشن نمودن رابطه دینداری افراد با سبک زندگی آنها در شرایط فعلی حائز اهمیت تلقی می‌گردد و از این لحاظ، مطالعه حاضر طرحی در جهت بررسی ارتباط میان میزان دینداری و نوع سبک زندگی شهروندان کلان‌شهر تهران به عنوان نمونه‌ای از جامعه در حال گذر ایرانی می‌باشد.

پیشینه تحقیق

در حیطه مطالعات داخلی، کرمی قهی و زادسر (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان «سنجش بررسی رابطه دین داری و سبک زندگی (مطالعه موردی زنان ۲۰ ساله و بیش تر ساکن شهر تهران)» به بررسی سبک زندگی و عوامل مؤثر بر آن نظیر دین داری

افراد پرداخته‌اند. نتایج تحلیل رگرسیون در این مطالعه نشان داد که از میان متغیرهای مستقل تحقیق مانند دین داری و سن که وجود رابطه آنها با سبک زندگی در حد ضعیف تأیید شد، بیشترین میزان همبستگی میان دینداری و سبک زندگی وجود دارد؛ با کم رنگ شدن اقتدار نهادهای سنتی دینی و رواج انتخابگری فردی در حوزه دین و ترکیبی شدن اصول فکری و عقیدتی، سخنگویان دین، دیگر تنها عامل اثر گذار بر واکنش افراد نسبت به مسائل مختلف اجتماعی، تصمیم‌گیری‌ها و نظرات نیستند. نیازی و کارکنان (۱۳۹۲) طی پژوهش خود «بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی شهروندان: مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۰» بر ارتباط معنادار بین میزان دینداری و هر یک از ابعاد سبک زندگی و نوع سبک زندگی پاسخگویان صحنه می‌گذارند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی به روش گام به گام، اثرات بعد اعتقادی و بعد آگاهی دینداری را به ترتیب با ۲۹ و ۲۸ درصد بر سبک زندگی شهروندان نشان می‌دهد. نصرتی و ذوالفقاری (۱۳۹۱) نیز با بررسی تأثیر میزان دینداری بر سبک زندگی جوانان تهرانی نشان می‌دهند که هرچه میزان دیندای پایین تر باشد، سبک‌های زندگی مدرن تر و هرچه افراد دیندارتر باشند، سبک‌های زندگی سنتی و غیر مدرن تر می‌شود. در نهایت خواجه‌نوری و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه «رابطه سبک- زندگی و میزان دینداری جوانان: مورد مطالعه جوانان شیراز»، افسری و کرد (۱۳۹۳) در پژوهش «بررسی تأثیر عقاید دینی در سبک زندگی جوانان (مطالعه تجربی در بین دانشجویان دانشگاه ملی کلمبیا)» و رحمانی فیروزجاه و سهرابی به سال ۱۳۹۲ در مقاله «بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین سبک زندگی و دینداری (مورد مطالعه شهر ساری)»، هر کدام به طور مجزا، به بررسی ارتباط میان دو متغیر مذکور در

جوامع آماری متفاوت پرداخته و نشان داده‌اند که به هر اندازه که میزان دینداری در سطح گروه‌های هدف نازل‌تر باشد، سبک‌های زندگی به سمت شاخص‌های مدرن زندگی سوق یافته و هر اندازه میزان دینداری افراد بالاتر رود، سبک‌های زندگی به سمت عناصر سنتی‌تر و غیر مدرن‌تر سوق می‌یابند.

در قلمرو مطالعات خارجی، «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» ماکس وبر (۱۹۵۸) از جمله آثار کلاسیکی است که به شکل جامعه‌شناختی به بررسی تأثیر دین بر سبک زندگی می‌پردازد. توصیف وبر در این مطالعه از فرقه کالوینیسیم، حکایت از نوعی سبک زندگی داشته که در محدود کردن مصرف به واسطه ارزش‌های اخلاقی و دینی بسیار مؤثر است. کاتزگرو^۱ (۱۹۹۸) با بررسی ارتباط میان دین و سبک زندگی نشان می‌دهد که در آلمان، اسرائیل و ایتالیا، افراد دیندارتر کمتر در فعالیت و مصرف فرهنگ متعالی مشارکت می‌کنند اما در آمریکا و سوئد این امر کاملاً بالعکس است، همچنین تفاوت‌های معناداری میان سبک زندگی افراد دیندار و افراد دارای گرایشات سکولاریستی در اسرائیل وجود دارد. مینکلر^۲ و همکاران (۲۰۰۴) در مقاله «بررسی نقش مذهب بر اعتقادات و رفتارهای زنان آفریقایی-آمریکایی» بیان می‌کنند که اعتقادات مذهبی بر سبک زندگی و رژیم غذایی زنان آفریقایی-آمریکایی مؤثر می‌باشد. هلت^۳ و همکاران (۲۰۰۵) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی هویت مذهبی و مصرف»، نشان می‌دهند که در مصرف فقط انگیزه افراد برای خرید و استفاده از کالاهای مختلف حرف اول را نمی‌زند، بلکه ورای نیاز و مصرف کالاهای فرهنگی،

1 - Ketz-Gerro

2 - Minkler

3 - Holt

انتخاب و رسیدن به آن، نیروهای دیگری هم از جمله هویت مذهبی وجود دارد که در این فرایند دخیل می‌باشد. یافته‌های مطالعه کاهل^۱ و همکاران (۲۰۰۸) هم پیرامون «بررسی نقش مذهب، تعصب مذهبی و ارزش‌ها در رفتار مصرف‌کنندگان» بیانگر تأثیر معنادار مذهب بر نگرش‌ها و رفتارهای مصرفی افراد است.

چارچوب نظری تحقیق

سوبل^۲ دهه ۷۰ میلادی را شروعی برای نظریه‌پردازی سبک‌زندگی می‌داند و آن را مجموعه‌ای از رفتارهای قابل مشاهده و بیانگر در میان افراد تعریف کرده است. چنی^۳ سبک‌های زندگی را مشخصه‌هایی از دنیای مدرن تلقی کرده و معتقد است افرادی که در جوامع مدرن زندگی می‌کنند، این مفهوم را جهت توصیف اعمال خود و سایرین به کار می‌برند، به طوری که سبک‌های زندگی الگوهایی از کنش هستند که افراد را از یکدیگر متمایز می‌کند. نکته حائز اهمیت این که اگرچه سبک‌های زندگی الگوی خاص فعالیت در زندگی روزمره می‌باشند که هر فرد را توصیف می‌نماید، اما در عین حال هر فردی سبک زندگی خود را با شرایط عمومی و اجتماعی تطبیق می‌دهد و به تعبیر ریمر^۴، ما سبک‌های زندگی خود را در ارتباط با سبک‌های زندگی سایر افراد انتخاب می‌کنیم (ربانی، ۱۳۸۷: ۴۸). محققان مختلف بر عوامل مختلفی در تعیین سبک‌ها یا شیوه‌های زندگی در جامعه تأکید کرده، برخی بر یک عامل و برخی تعیین را به چند عامل تقلیل می‌دهند. در این زمینه، بسیاری از جامعه‌شناسان همچون

1 - Kahle
2 - Soubel
3 - Cheni
4 - Rimer

ویر، زیمل^۱، گیدنز و بوردیو، بر خلاف مارکس^۲ در زندگی تعین را به یک علت محدود نمی‌کنند و بر این باورند که عامل اقتصادی دیگر نمی‌تواند تنها تعیین‌کننده شیوه زندگی افراد باشد و عوامل دیگری یا به تعبیر بوردیو، سرمایه‌های دیگری چون سرمایه فرهنگی / اجتماعی / مذهبی / و نمادین نیز بر کنش‌ها و سبک زندگی انسان‌ها تأثیرگذار می‌باشند. لذا دین و دینداری به عنوان یکی از سرمایه‌های اصلی هر جامعه، باعث می‌شوند که افراد متأثر از آن بتوانند نگرش‌ها، رفتارها و در نهایت سبک زندگی خود را از دیگران متمایز سازند (نصرتی و ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۱۰۲). نهاد دین و عناصر مذهبی و آثاری که در فکر و جان و اعمال فردی و اجتماعی افراد بر جای می‌گذارند، برای شکل‌گیری برخی سبک‌های زندگی، عرصه وسیع‌تری مهیاء کرده و برخی سبک‌های زندگی را نفی می‌کنند و یا از گسترش آن جلوگیری به عمل می‌آورند. مروری بر رویکردها و چشم اندازهای ارائه شده پیرامون ارتباط میان میزان دینداری افراد و نوع سبک زندگی آن‌ها بیانگر مجموعه‌ای متنوع از عناصر نظری است که برخی از این عناصر در جدول ذیل به تلخیص بیان شده است.

جدول ۱: رابطه دینداری و سبک زندگی در مبانی نظری

متفکر	گزاره‌های نظری
دورکیم (۱۹۱۲)	تلاش برای دست‌یابی به ریشه‌های اساسی معرفت (از جمله دین) در تجربه بشری.
مارکس (۱۸۴۸)	تاکید بر ماده به عنوان جوهر و اصل جهان: اندیشه، ذهن و آگاهی بازتاب جهان وجود در ذهن انسانند (Harrington, ۲۰۰۱).

1 - Simmel

2 - Marx

متفکر	گزاره‌های نظری
ویر (۱۳۸۵)	نظریه کنش: دنیای اجتماعی را باید از زاویه افکار مردم و به خصوص هنجارها و ارزش‌ها مشاهده کرد (تأثیرات باورها و عقاید دینی بر سبک زندگی). ایده‌ها نیروهای موثر در تاریخ اند؛ بشر بر مبنای تفکر خود جامعه را می‌سازد و دین از مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل دهنده شیوه تفکر است. سبک زندگی از جایگاه و موقعیت اجتماعی ناشی می‌شود و گروه‌های مختلف، سبک‌های زندگی متفاوتی دارند.
بلومر (۱۹۶۹)	تأکید بر دین به عنوان نظامی نمادین و فراگیر در جهت معنابخشی به تجارب زندگی و متأثر از شرایط زندگی و امکانات مادی که این امکانات توسط بلومر و صاحب‌نظران مکتب کنش متقابل، سامان، مد اجتماعی یا شیوه نو (سبک زندگی) نامیده می‌شود (Krause, 2008).
ابن‌خلدون (۱۳۷۳)	انتقال از بادیه به شهر / تغییرات در شیوه معیشت و سبک زندگی / تأثیر در دینداری افراد: بادیه‌نشینان به علت سختی‌های زندگی و دوری از شهوات، دیندارترند.
ویلن (۱۳۸۳)	عادات فکری از موقعیت‌های اجتماعی و شغلی سرچشمه می‌گیرند و به عبارتی ناشی از سبک زندگی افراد هستند، به طوری که اعمال تمایلات چشم و هم‌چشمی و جان‌گرایی ساده، وسیله مناسبی برای تظاهرات دینی هستند. دنبال کردن نموده‌های مصرف تظاهری در مسئله بناهای مقدس، لباس کشیشان و تزئینات ساختمان‌های مذهبی.
زیمل (۱۹۹۰)	فرم‌های دینداری یا به عبارتی انواع دینداری، متأثر از تجربه زندگی اجتماعی است. مُد و سبک زندگی به عنوان مشخصات بارز دنیای مدرن، باعث روی آوردن برخی از افراد به عرفان‌های جدید می‌شود زیرا فرم‌های قدیمی دینی، خاصیت ارضاء‌کنندگی خود را از دست داده‌اند و افراد به علت ترقی نیازهای دینی‌شان، اهداف و راه‌های متفاوتی را جست و جو می‌کنند.

متفکر	گزاره‌های نظری
گیدنز (۱۳۷۸)	تجدد و مدرنیته / تعدد منابع و مراجع زندگی بشری و رهایی از قید انتخاب‌هایی که سنت به طور معمول رو در روی انسان قرار داده / قراردادن فرد در محدوده کانال‌های از پیش تعیین شده و تنوع زیادی از انتخاب‌های ممکن. جهانی شدن و تجدد با ایجاد فرصت‌های انتخاب متفاوت باعث می‌شوند نهادهای سنتی‌ای همچون دین در کنار نهادهای مدرن قرار گرفته و از میزان تأثیرگذاری دین و ارزش‌های دینی بر شیوه زندگی افراد کاسته می‌شود.
ترنر (۱۳۸۷)	کاربرد مفهوم عادتواره ^۱ بوردیو جهت نشان دادن تأثیر دین و تحولات دینی بر سبک زندگی: تمایلات افراد که در نظریه بوردیو نشان‌دهنده ذائقه‌های آن‌هاست، می‌تواند تمایلات دینی‌شان را توضیح دهد و اینکه چطور در اجرای وظایف دینی و مصرف کالاهای دینی، ذائقه خاصی پیدا می‌کنند.

رویکردهای نظری فوق، به منظور آشنایی مخاطبان با کلیت نظرات این حوزه بیان شده و نه با هدف استفاده از تمامی آنها در تحقیق حاضر. با این حال، به ویژه برخی از نظریه‌های فوق، بیش‌ی القاء می‌نمایند که می‌توان گفت هم در شکل‌گیری چارچوب تحقیق و هم تبیین مسئله، محققان را یاری کرده‌اند. به عنوان مثال، چندان که گفته شد، در اندیشه وبر ایده‌ها نیروهای موثر در تاریخ‌اند و بشر بر مبنای تفکر، خود و جامعه را می‌سازد و دین از مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل دهنده شیوه تفکر است. تأکید بر دین به عنوان نظامی نمادین و فراگیر در جهت معنابخشی به تجارب زندگی و سبک‌زندگی در نزد بلومر و یا کاربرد مفهوم عادتواره بوردیو جهت نشان دادن تأثیر دین و تحولات دینی بر سبک زندگی توسط ترنر نشان از همبستگی‌های نظری دو

1 - Habitus

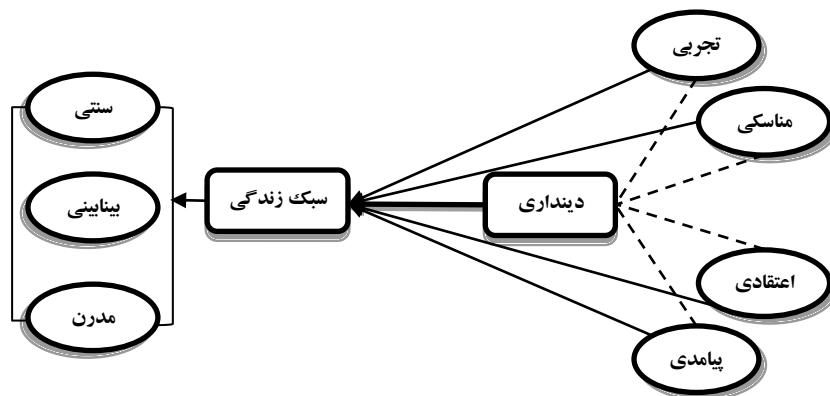
متغیر دین و سبک زندگی است. در این بین، زیمل و گیدنز این همبستگی را به شکل دیگری بیان می‌نمایند؛ آنها معتقدند ارتباط بین این دو، به ویژه در دنیای مدرن امروز، تنها یکی از شیوه‌های ممکن است و عوامل اثرگذار دیگری نیز وجود دارند. بر همین اساس، محققان در پی ارزیابی تجربی میزان تأثیر دین در انتخاب سبک‌های زندگی خاص برآمدند.

تکیه نظری تحقیق، بر نظریه پی‌یر بوردیو قرار دارد. این نظریه از رویکردهای مطرح در زمینه سبک زندگی می‌باشد و به اعتقاد نگارندگان از وضوح و قدرت تبیین نظری بیشتری برخوردار است. رویکرد بوردیو به سبک زندگی برگرفته از فلسفه دیالکتیکی وی بوده و روش نهادی شدن این فلسفه نیز، مفهوم عادت‌واره است، مفهومی که در واقع روح دینی در جامعه بوده و در ذهن افراد جامعه درونی شده و قابل انتقال می‌باشد. بوردیو، سبک زندگی را محصول نظام مند عادت‌واره می‌داند که از خلال رابطه‌اش با آن درک می‌شود و به صورت نظامی از نشانه‌ها در می‌آید که بیشتر جنبه‌ای عینی داشته، به گونه‌ای نمادین به فرد هویت می‌بخشد و میان اقشار مختلف تمایز ایجاد می‌کند (Bourdieu, ۱۹۸۴). مفهومی دیگری که بوردیو بر آن تأکید داشته و ما را در مطالعه تأثیر دینداری بر سبک زندگی هدایت می‌کند، مفهوم سرمایه است. در دیدگاه بوردیو، ترکیب، حجم و تملک انواع سرمایه‌هاست که منشاء تفاوت در ذائقه‌ها تلقی می‌گردد (بوردیو، ۱۳۸۱) و انواع ترجیحات ذائقه‌ای را در موسیقی، غذا، آشپزی، ورزش، علائق سیاسی، ادبیات و غیره به وجود می‌آورد. لذا عادت‌واره‌ها و سرمایه‌های فرد در میدان‌های مختلف در درون فضاها، اجتماعی، الگوی مصرف و به تبع آن سبک زندگی خاصی و منظومه‌های متفاوتی از ذوق و قریحه برای فرد و گروه،

به وجود می‌آورند که منجر به تمایز اجتماعی می‌گردد. «بورديو دين را به عنوان میدانی نسبتاً خود مختار در درون میدان قدرت در نظر می‌گیرد و بر سیالیت و پویایی ساختار و محتوای این میدان تأکید می‌کند. میدان دینی ترکیبی از ۲ طبقه تولیدکنندگان یا متخصصان دینی (که وظیفه تولید، عرضه و بازتولید کالاها و پیام‌های دینی را به عهده دارند) و افراد عادی مصرف‌کننده و تقاضاکننده کالاهای دینی (که عمل دینی توسط آنها صورت می‌گیرد)، می‌باشد. از نظر بورديو عمل دینی یا دینداری، از رابطه دیالکتیکی میان میدان و منش دینی بدست می‌آید و سبک زندگی از تعیین معرفت دینی و شکل‌گیری انواع دینداری (رحمانی فیروزجاه و سهرابی، ۱۳۹۲: ۴۴-۴۵).

به طور کلی، بورديو بر این باور است که فضای اجتماعی^۱ هر جامعه تأثیر زیادی بر شکل‌گیری نوع خاصی از سرمایه بر جای می‌گذارد. در جامعه ایران، دین از دیرباز از عناصر اساسی جامعه به شمار رفته و همواره نوعی عامل پایدار در کنش و رفتار اجتماعی می‌باشد. از این رو، فضای اجتماعی جامعه ایرانی، فضایی دینی است که به تشکیل سرمایه دینی افراد تأثیر زیادی دارد. لذا اگر افراد و گروه‌ها برحسب موقعیت‌های متمایزی در فضای اجتماعی دارند، برگرفته از سرمایه‌های گوناگون است و در نتیجه، با درونی کردن این وضعیت و نمادهای آن (منش)، در نظام طبقه‌بندی اجتماعی جایگاه مشخصی کسب می‌کنند. افراد مختلف با تملک سرمایه‌های متفاوت مذهبی (میزان پایین یا بالای دینداری)، دارای ترجیحات و ذائقه‌های متفاوت و تاحدی متضاد در نحوه خوراک، پوشاک، اوقات فراغت، مدیریت بدن، مصرف رسانه و...

می‌شوند و در نهایت سبک‌های زندگی آنان تحت نفوذ دین یا کاهش نفوذ دین، شکل سنتی یا مدرن (و یا ترکیبی از این دو سبک) پیدا می‌کند. بدین ترتیب، پس از ارزیابی و جمع‌بندی رویکردهای نظری و پژوهش‌های تجربی صورت گرفته پیرامون ارتباط میان دینداری و سبک زندگی، در مطالعه حاضر مدل ذیل صورت‌بندی و مورد پیگیری تجربی قرار می‌گیرد.



شکل ۱: مدل تحلیلی ارتباط میان دینداری و سبک زندگی

فرضیات تحقیق

- بین میزان دینداری و نوع سبک زندگی شهروندان تهرانی رابطه معنادار وجود دارد.
 - بین میزان دینداری با بُعد مدیریت بدن رابطه معناداری وجود دارد.
 - بین میزان دینداری با بُعد مصرف رسانه رابطه معناداری وجود دارد.
 - بین میزان دینداری با بُعد اوقات فراغت رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان دینداری و سبک زندگی با متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی شهروندان رابطه معنادار وجود دارد.
- بین میزان دینداری و سبک زندگی بر حسب متغیرهای زمینه‌ای (جنس، سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، منطقه سکونت و وضعیت سکونت) رابطه وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر به روش پیمایشی، با ابزار پرسشنامه صورت گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه، جمعیت بالغ کلان شهر تهران بوده و میزان حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران، ۵۲۴ نفر محاسبه شد که با روش نمونه گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. براین اساس، مناطق پنج گانه شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب کلان شهر تهران، ۱۵ محله جهت توزیع پرسشنامه برگزیده شد، داده‌ها با مراجعه به منازل مسکونی گردآوری شده و با استفاده از نرم افزار آماری Spss و لیزرل مورد تحلیل توصیفی و استنباطی قرار گرفتند. در سنجش اعتبار ابراز سنجش از اعتبار صوری (استفاده از نظر

کارشناسان و متخصصان ذیربط) استفاده شده است: اصلاح محتوایی و تناسب متغیرها با سؤالات بر حسب نظرات کارشناسان صورت پذیرفت. به منظور بررسی قابلیت اعتماد ابزار سنجش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که نتایج آن به قرار زیر است:

جدول ۲: میزان آلفای کرونباخ بدست آمده برای هر یک از شاخص‌های تحقیق

مفهوم	آلفای کرونباخ	ابعاد	آلفای کرونباخ
	۰/۷۷۹	اعتقادی	
	۰/۸۴۶	مناسکی	
دینداری	۰/۸۰۴	پیامدی	۰/۸۵۶
	۰/۷۲۹	عاطفی	
	۰/۸۸۰	مدیریت بدن	
سبک زندگی	۰/۷۰۷	مصرف رسانه‌ای	۰/۸۳۴
	۰/۸۲۰	اوقات فراغت	

همانطور که در جدول فوق مشخص است میزان آلفای کرونباخ بدست آمده برای شاخص‌های تحقیق بزرگتر از ۰/۷۰ می‌باشند و این موضوع نشان دهنده همبستگی درونی مطلوب بین متغیرها برای سنجش مفاهیم مورد نظر است و بدین ترتیب می‌توان گفت که تحقیق انجام شده از قابلیت اعتماد و پایایی لازم برخوردار است.

تعریف مفاهیم و نحوه سنجش متغیرها

(۱) دینداری

دینداری عبارت است از پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی به نحوی که شخص دیندار خود را ملزم به تبعیت و رعایت از این مجموعه بداند (حشمت یغمایی، ۱۳۸۰: ۱۹۰). دینداری به تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در هر فرد یا پدیده‌ای دینی بودن اطلاق می‌گردد که این تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان وی مشهود است (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۵۹). شاخص سازی متغیر میزان دینداری بر اساس مدل گلاک و استارک صورت گرفته است. گلاک و استارک در کتاب «ماهیت تعهد مذهبی» اذعان نموده‌اند که با وجود تفاوت‌هایی در ادیان، می‌توان وجوه مشترکی را بین آن‌ها یافت. این وجوه یا عرصه‌ها در حقیقت ابعاد دینداری را تشکیل می‌دهند و عبارتند از ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی، عاطفی و فکری (افشانی، ۱۳۸۹: ۲۰۱-۲۰۲). در مطالعه حاضر چهار بعد زیر به عنوان ابعاد دینداری مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱. بعد اعتقادی یا باورهای دینی که عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان دین مورد نظر به آنها اعتقاد داشته باشند. در واقع باورهای دینی عبارتند از نوعی ادراک فردی برخاسته از معرفت دینی که به فرد بینش خاصی نسبت به حقانیت اصول دینی می‌دهد:
 - شیطان واقعاً وجود دارد.
 - اگر ما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنیم، فساد و فحشا همه جا را پر می‌کند.

- در روز قیامت به اعمال و رفتار ما دقیقاً رسیدگی می‌شود و نیکوکاران به بهشت و بدکاران به جهنم خواهند رفت.
 - این دنیای پر از ظلم و جور با ظهور حضرت مهدی (عج) پر از عدل و داد خواهد شد.
 - هنوز مطمئن نیستم که خداوند واقعاً وجود دارد.
۲. بعد مناسکی شامل اعمال دینی مشخص همچون نماز، روزه و شرکت در آئین‌های مذهبی است که انتظار می‌رود پیروان هر دینی آنها را به جای آورند. این بعد در برگیرنده گویه‌های زیر می‌باشد:
- در ایام ماه رمضان چنانچه بیمار یا مسافر نباشم، روزه می‌گیرم.
 - سعی می‌کنم تا حدی که بتوانم در نماز جماعت مسجد شرکت کنم.
 - در غالب جمعه‌ها در مراسم نماز جمعه شرکت می‌کنم.
 - همیشه نمازم را می‌خوانم.
 - در مراسم مذهبی (جشن و عزاداری) که در شهر برگزار می‌شود، شرکت می‌کنم.
۳. بعد تجربی یا عواطف دینی که عبارت از تصورات و احساساتی است که مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی همچون خدا یا واقعیتهای غایی و یا اقتداری متعالی است:
- کسی که به خدا ایمان دارد از مرگ نمی‌ترسد.
 - گاهی احساس می‌کنم به خدا نزدیک شده‌ام.
 - بدون اعتقادات دینی، احساس می‌کنم زندگی‌ام پوچ و بی‌هدف است.

- هرگاه به حرم یکی از امامان، امام زادگان و اولیاء می‌روم احساس معنویت عمیقی میکنم.
- گاهی احساس توبه می‌کنم و از خداوند می‌خواهم تا برای جبران گناهانم کمکم کند.
- ۴. بعد پیامدی یا آثار دینی که ناظر به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره است، به عبارت دیگر تأثیر و انعکاس دین در رفتارهای روزمره زندگی است:
- در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی نباید اینقدر سخت‌گیری کرد.
- تقلب در پرداخت مالیات کار نادرستی است.
- مسئولین سیاسی باید کاردان باشند، مذهبی بودن یا نبودنشان زیاد مهم نیست.
- به نظر می‌رسد بسیاری از قوانین اسلام را نمی‌توان در جامعه امروزی اجرا کرد.
- زنان هم باید بتوانند در مسابقات ورزشی مثل فوتبال به عنوان تماشاچی شرکت کنند.

۲) سبک زندگی

گیدنز معتقد است که سبک زندگی کردارهایی است که به جریان زندگی روزمره تبدیل شده است که در لباس پوشیدن، غذا خوردن، شیوه‌های کنش و محیط دلخواه برای ملاقات دیگران جلوه می‌کند. وی متذکر می‌شود چنین رفتارهایی بازتاب هویت شخصی، گروهی و اجتماعی است (حسینی‌زاده آرانی، ۱۳۹۱: ۱۳۳). سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد تا نه فقط نیازهای

جاری او را برآورند، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت خود برگزیده است، در برابر دیگران مجسم سازد. این انتخابگری به معنای باز بودن کامل دست فرد نیست و همین امر تفاوت‌های سبک زندگی را معنادار می‌کند (رحمت آبادی، ۱۳۸۵: ۲۳۶). تقریباً هیچ تفاهم مفهومی یا تجربی، دربارهٔ عناصر سازندهٔ سبک زندگی وجود ندارد و ارزیابی این مفهوم اغلب وابسته به موضوعی است که مطالعه می‌شود. در پژوهش حاضر، سبک زندگی به سه بخش سنتی، بینابینی و مدرن (به تبعیت از زهری بیدگلی، ۱۳۹۰: ۶۸) تقسیم بندی می‌شود:

۱. سبک زندگی سنتی: حالتی که مربوط به گذشته تاریخی و نمادهای فرهنگی می‌باشد و در آن نوعی از زندگی به تصویر کشیده می‌شود که مصرف الگوها، ابزار، امکانات و رفتار بیانگر روش‌های سنتی است.
۲. سبک زندگی بینابینی: به نوعی سبک زندگی گفته می‌شود که فرد در حال حذف مؤلفه‌های سنتی از کردار و گفتار خویش و استفاده از مؤلفه‌های دوران مدرن است. به عبارتی فرد نه به طور کامل مؤلفه‌های سنت را از خود جدا کرده و نه به طور کامل جذب مؤلفه‌های مدرنیته شده است. چنین فردی در موقعیت‌های اجتماعی و فردی خود به نحوی از دو عنصر سنتی و مدرن برای جهت دهی و الگوسازی استفاده می‌کند.
۳. سبک زندگی مدرن: در این سبک مؤلفه‌هایی دال بر حضور عناصر مدرن و نو زندگی امروز وجود دارند که نشانه آینده‌نگری و روبه جلو داشتن هستند. استفاده از ابزار و دستگاه‌های نوین و استفاده از اشکال هنری و فراغت مدرن و توجه به ارزش‌هایی چون قدرت فن‌آوری برابر زنان و مردان، رفاه و

شاخص‌هایی از این نوع الگوی زندگی مدرن را شکل می‌دهند

در گام بعد، سبک زندگی در قالب ۳ بعد مدیریت بدن، مصرف رسانه‌ای و اوقات فراغت تقسیم عملیاتی می‌شود:

- مدیریت بدن: به معنای نظارت بر بدن و مراقبت و دستکاری مستمر ویژگی‌های ظاهری و مرئی بدن است (پورجلی، ۱۳۸۶: ۱۰۲) و اشاره به عادات لباس پوشیدن، آرایش موی سر، استفاده از پیرایه‌ها و همچنین شیوه مدیریت بهداشت و سلامت بدن دارد. در مطالعه حاضر مدیریت بیشتر بر بدن، نشانگر مدرن بودن و مدیریت کمتر بر بدن معرف، سنتی بودن محسوب می‌شود و جهت سنجش این بعد میزان اهمیت اصلاح موی سر، اصلاح صورت، حمام رفتن روزانه، رژیم غذایی، رنگ کردن موی سر، استفاده از عطر و ادکلان، استفاده از ژل مو، استفاده از کرم‌های نرم‌کننده، ضدآفتاب و... استفاده از لنز رنگی و خوش بوکننده‌های زیر بغل در زندگی پاسخ‌گویان مورد سنجش قرار می‌گیرد.
- مصرف رسانه‌ای: مصرف رسانه‌ای اشاره به مصرف وسایل ارتباطی دارد که برای برقراری ارتباط و انتقال اطلاعات به گیرندگان انبوه طراحی شده‌اند (به نقل از قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶) که شامل تماشای تلویزیون، گوش دادن به برنامه‌های رادیو، مطالعه روزنامه‌ها، مطالعه کتاب، چت کردن، تماشای برنامه‌های ماهواره، استفاده از ایمیل، اینترنت، بلوتوث و این قبیل رسانه‌های ارتباطی می‌باشد.
- اوقات فراغت: مجموعه‌ای از اشتغالات است که افراد آن را پس از آزادشدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به منظور استراحت، تفریح، توسعه

اطلاعات، آموزش غیرعاطفی و مشارکت اجتماعی به کار می‌برند(زهری بیدگلی، ۱۳۹۰:۶۹). اوقات فراغت به وسیله میزان پرداخت پاسخگویان به موارد گشت و گذار در خیابان‌ها و پاساژها، بازی‌های کامپیوتری، شرکت در جلسات و هیئت‌های مذهبی، رفت و آمد با دوستان و آشنایان، حضور در پارک‌ها، گوش دادن به موسیقی، ورزش کردن، زیارت امام‌زاده‌ها، سینما یا استخر رفتن و استراحت در منزل سنجیده می‌شود.

در مجموع مفهوم سبک زندگی از جمع سه بعد مدیریت بدن، مصرف رسانه‌ای و نحوه گذران اوقات فراغت سنجیده می‌شود و هر چه نمرات افراد در این ابعاد بالاتر باشد، سبک زندگی آنها مدرن‌تر و هر چه نمرات افراد پایین‌تر باشد، سبک زندگی آنها سنتی‌تر است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند حدود ۵۱ درصد پاسخگویان مرد و حدود ۴۹ درصد زن بوده‌اند، پایین‌ترین سن پاسخگویان ۱۸ و بیشترین آن ۸۰ ساله بودند. همچنین، میانگین سن پاسخگویان، ۳۴ سال بوده است. از بین افراد مورد بررسی ۴۹ درصد مجرد و ۵۱ درصد متأهل بوده‌اند. به لحاظ سطح تحصیلات، ۹٪ پاسخگویان زیردیپلم، ۴۸٪ دیپلم و فوق دیپلم، ۳۲٪ لیسانس، ۱۱٪ فوق لیسانس و بالاتر بودند. به لحاظ وضعیت سکونت، ۹۱/۷٪ به همراه خانواده، ۳/۹٪ به تنهایی، ۲/۵٪ با دوستان، ۱٪ ساکن خابگاه، ۱٪ با اقوام و وابستگان زندگی می‌کردند. ۱۵/۸۳٪ پاسخگویان در

شمال تهران، ۲۱/۳۷٪ در جنوب، ۱۹/۰۸٪ در مرکز، ۲۰/۲۲٪ در شرق، ۲۳/۴۷٪ در غرب سکونت داشتند. پایگاه اجتماعی- اقتصادی ۴۶٪ متوسط رو به پایین، ۳۵/۵٪ متوسط، ۱۰/۵٪ متوسط رو به بالا، ۷/۶٪ پایین، ۰/۴٪ بالا بوده است.

نتایج توصیفی شاخص‌های تحقیق حاکی از این است که میزان دینداری در جمعیت نمونه تحقیق در وضعیت متوسط رو به بالا است به طوری که میزان دینداری بیش از دو سوم پاسخگویان (۷۲٪) متوسط رو به بالا ارزیابی شده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که در بین ابعاد دینداری، حجم نمونه در بعد اعتقادی و تجربی دینداری به نسبت دو بعد دیگر (مناسکی و پیامدی) وضعیت بهتری دارند، به نحوی که میزان دینداری جمعیت مورد مطالعه در بعد اعتقادی (۶۵٪) و در بعد تجربی (۶۴٪) در حد بالایی ارزیابی شده، در حالی که میزان دینداری در بعد مناسکی و پیامدی هر یک به ترتیب ۴۲٪ و ۳۵٪ در حد بالایی ارزیابی شده است. شاخص سبک زندگی (متغیر وابسته) یکی دیگر از شاخص‌های مطالعه شده است که برای ۴۶٪ از جمعیت مورد مطالعه سنتی ارزیابی شده است. جدول توزیع نسبی و شاخص‌های آماری ابعاد سبک زندگی (مدیریت بدن، مصرف رسانه و اوقات فراغت) نیز گویای این موضوع است که تجمع حجم نمونه در وضعیت سنتی هر یک از ابعاد مذکور در حد بالایی می‌باشد.

جدول ۳: توصیف متغیرهای دینداری و سبک زندگی

مفهوم	ابعاد	پایین	متوسط	بالا	میانگین	انحراف معیار
		درصد	درصد	درصد		
دینداری (۱۰۰-۲۰)	اعتقادی	۱۷/۲	۱۷/۹	۶۴/۹	۱۸/۸۸	۴/۸۷
	مناسکی	۳۳	۲۵/۴	۴۱/۶	۱۵/۱۶	۵/۰۴
	تجربی	۱۲/۶	۲۴	۶۳/۶	۱۹/۴۳	۴/۵۹
	پیامدی	۴۵/۸	۱۸/۷	۳۵/۵	۱۴/۲۸	۴/۱۴
	کل	۲۷/۷	۲۱	۵۱/۳	۶۷/۷۵	۱۲/۲۵
مفهوم	ابعاد	ستی	بینابینی	مدرن	میانگین	انحراف معیار
		درصد	درصد	درصد		
سبک زندگی (۱۵۵-۳۱)	مدیریت بدن	۴۷/۱	۱۷/۹	۳۴/۹	۲۹/۲۳	۶/۵۴
	مصرف رسانه	۴۶/۶	۲۶/۷	۲۶/۷	۲۵/۳۱	۵/۴۰
	اوقات فراغت	۵۱/۵	۳۱/۳	۱۷/۲	۲۶/۴۴	۵/۸۱
	کل	۴۶/۴	۲۶/۵	۲۷/۱	۸۰/۹۹	۱۳/۳۴

یافته‌های تحلیلی

به منظور مقایسه میزان دینداری در بین شهروندان با سبک زندگی مختلف از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده گردید که نتایج آن به قرار زیر است: نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد که در سطح خطای کمتر از یک

درصد بین میزان دینداری شهروندان با سبک‌های زندگی مختلف تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($F=9.126, P<0.01$). در همین راستا، نتایج حاصل از آزمون توکی مؤید این موضوع است که میزان دینداری افرادی که دارای سبک زندگی سنتی می‌باشند، بالاتر از میزان افرادی است که سبک زندگی‌شان مدرن می‌باشد. به عبارتی به هر اندازه که از میزان دینداری افراد کاسته می‌شود به سمت سبک‌های زندگی مدرن سوق پیدا می‌کنند.

جدول ۴: نتایج آزمون F در خصوص مقایسه میزان دینداری به تفکیک نوع سبک زندگی

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	P -Value
تغییرات بین گروهی	۲۸۳۸/۲۰۵	۲	۲۴۱۹/۱۰۳		
تغییرات درون گروهی	۱۳۶۵۲۱/۳۰۱	۵۱۵	۲۶۵/۰۹۰	۹/۱۲۶	۰/۰۰۱
کل	۱۴۱۳۵۸/۵۰۶	۵۱۷			

جدول ۵: نتایج پس آزمون توکی

Subset for Alpha = 0.05		تعداد	سبک زندگی
۲	۱		
	۶۶/۵۸	۱۴۲	مدرن
۶۶/۸۲	۶۶/۸۲	۱۳۹	بینابینی
۶۸/۹۷		۲۴۳	سنتی

جدول ۶ نتایج حاصل از بررسی رابطه بین میزان دینداری با ابعاد سبک زندگی (مدیریت بدن، مصرف رسانه و اوقات فراغت) را به کمک ضریب همبستگی پیرسون با در نظر گرفتن ملاحظات آماری لازم (کمی بودن مقیاس متغیرها، نرمال بودن توزیع داده‌ها و خطی بودن رابطه بین متغیرها) نمایش می‌دهد. ضرایب همبستگی مندرج در این جدول بیانگر این است که از بین سه بعد سبک زندگی، مدیریت بدن رابطه معناداری با میزان دینداری ندارد. به عبارت دیگر مدیریت بدن ارتباطی به میزان دینداری افراد ندارد، اما میزان دینداری افراد با دو بعد دیگر سبک زندگی (مصرف رسانه و اوقات فراغت) رابطه معنادار و در حد متوسطی دارد، به طوری که به هر اندازه بر میزان دینداری افراد افزوده گردد، از میزان زمانی که صرف اوقات فراغت (۰/۳۱۴-) و استفاده از رسانه‌ها (۰/۱۴۶-) می‌شود، کاسته می‌گردد.

جدول ۶: نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون در رابطه بین دینداری و ابعاد سبک زندگی

ردیف	فرضیه	ضریب همبستگی	P-Value
۱	رابطه بین میزان دینداری و مدیریت بدن	-۰/۰۴۹	۰/۲۶۴
۲	رابطه بین میزان دینداری و مصرف رسانه	-۰/۱۴۶	۰/۰۰۱
۳	رابطه بین میزان دینداری و اوقات فراغت	-۰/۳۱۴	۰/۰۰۰

نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون در بررسی ارتباط میان میزان دینداری و پایگاه اجتماعی- اقتصادی شهروندان شهر تهران حکایت از رابطه‌ای معنادار و منفی میان این دو متغیر دارد ($r = -0.267, P < 0.01$)؛ به عبارتی به هر اندازه

که پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد بالاتر می‌رود از میزان دینداری‌شان کاسته می‌شود. همچنین بررسی ارتباط میان سبک زندگی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر حسب ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه‌ای معنادار و مثبت وجود دارد ($r = 0.208, P < 0.01$)؛ به عبارتی به هر اندازه که افراد در سطوح پایگاه اجتماعی - اقتصادی در رتبه‌های بالاتر قرار می‌گیرند، سبک زندگی‌شان به سمت سبک زندگی مدرن سوق پیدا می‌کند و بالعکس.

جدول ۷: نتایج آزمون همبستگی پیرسون در بررسی رابطه میان دینداری و پایگاه اجتماعی - اقتصادی

ضریب همبستگی	پایگاه اجتماعی - اقتصادی
دینداری	همبستگی پیرسون -۰/۲۶۷
	سطح معناداری ۰/۰۰۱
سبک زندگی	همبستگی پیرسون ۰/۲۰۸
	سطح معناداری ۰/۰۰۱

یافته‌های آماری در بررسی ارتباط میان میزان دینداری و نوع سبک زندگی افراد با متغیرهای زمینه‌ای نشان می‌دهند که زنان متأهل بالای ۳۵ سال که تحصیلات زیردیپلم دارند نسبت به سایر گروه‌های مطالعاتی هدف، از میزان دینداری بالاتری برخوردار می‌باشند. از سوی دیگر در بین گروه‌های مطالعاتی، زنان، افراد مجرد و زیر ۲۵ سال که دارای تحصیلات لیسانس می‌باشند، گرایش‌های بیشتری به سبک زندگی مدرن داشته و مؤلفه‌ها و عناصر این سبک زندگی در زندگی‌شان بیشتر دیده می‌شود. رابطه منفی

میان سن و سبک زندگی نیز نشان می‌دهد که به هر اندازه بر سن افراد افزوده گردد، تمایل به سبک زندگی مدرن در آنها افول می‌یابد و مؤلفه‌های سبک زندگی مدرن در زندگی و رفتار افراد جوان بیشتر دیده می‌شود.

جدول ۸: مقایسه سبک زندگی به تفکیک متغیرهای جمعیت شناختی

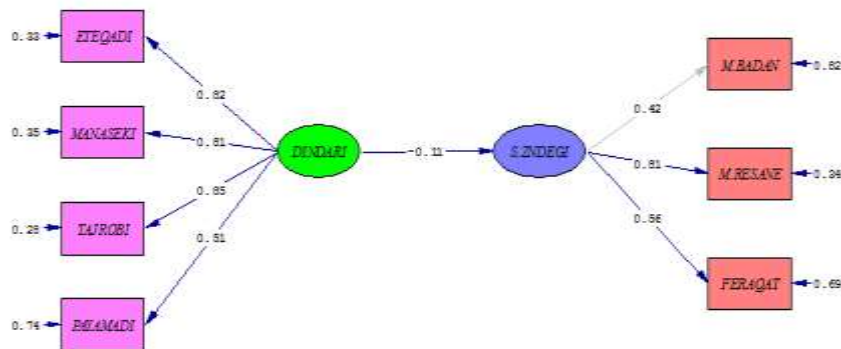
مقدار همبستگی	P-Value	مقدار χ^2	میانگین	کل		مدرن		بینابینی		سنتی		سبک زندگی متغیر
				%	F	%	F	%	F	%	F	
-	۰/۴۵۲	۱/۵۸۶	۸۰/۳۵	۱۰۰	۲۶۵	۲۶	۶۹	۲۴/۹	۶۶	۴۹/۱	۱۳۰	مرد
			۸۱/۶۴	۱۰۰	۲۵۹	۲۸/۲	۷۳	۲۸/۲	۷۳	۴۳/۶	۱۱۳	زن
			۸۰/۹۹	۱۰۰	۵۲۴	۲۷/۱	۱۴۲	۲۶/۵	۱۳۹	۴۶/۴	۲۴۳	کل
۰/۱۷۱ (وی کرامر)	۰/۰۰۱	۱۵/۲۳۷	۸۳/۳۲	۱۰۰	۲۵۵	۳۱/۸	۸۱	۳۰/۶	۷۸	۳۷/۶	۹۶	مجرد
			۷۸/۷۷	۱۰۰	۲۶۹	۲۲/۷	۶۱	۲۲/۷	۶۱	۵۴/۶	۱۴۷	متاهل
			۸۰/۹۹	۱۰۰	۵۲۴	۲۷/۱	۱۴۲	۲۶/۵	۱۳۹	۴۶/۴	۲۴۳	کل
-۰/۱۸۵ (کندال تاو-سی)	۰/۰۰۱	۳۲/۶۲۰	۸۵/۷۷	۱۰۰	۱۲۴	۴۱/۹	۵۲	۲۱/۸	۲۷	۳۶/۳	۴۵	زیر ۲۵ سال
			۸۱/۵۱	۱۰۰	۲۳۷	۲۵/۳	۶۰	۳۲/۹	۷۸	۴۱/۸	۹۹	۲۵-۳۵ سال
			۷۶/۵۹	۱۰۰	۱۶۳	۱۸/۴	۳۰	۲۰/۹	۳۴	۶۰/۷	۹۹	۳۵ سال و بیشتر
			۸۰/۹۹	۱۰۰	۵۲۴	۲۷/۱	۱۴۲	۲۶/۵	۱۳۹	۴۶/۴	۲۴۳	کل
-	۰/۰۸۲	۱۱/۱۹۹	۷۶/۸۲	۱۰۰	۴۷	۲۵/۵	۱۲	۱۴/۹	۷	۵۹/۶	۲۸	زیر دیپلم
			۸۰/۵۴	۱۰۰	۲۵۳	۲۴/۹	۶۳	۲۵/۷	۶۵	۴۹/۴	۱۲۵	دیپلم و فوق دیپلم
			۸۳/۰۴	۱۰۰	۱۶۹	۳۲	۵۴	۳۰/۸	۵۲	۳۷/۳	۶۳	لیسانس
			۸۰/۲۹	۱۰۰	۵۵	۲۳/۶	۱۳	۲۷/۳	۱۵	۴۹/۱	۲۷	فوق لیسانس و بالاتر
			۸۰/۹۹	۱۰۰	۵۲۴	۲۷/۱	۱۴۲	۲۶/۵	۱۳۹	۴۶/۴	۲۴۳	کل

جدول ۹: مقایسه دینداری به تفکیک متغیرهای جمعیت شناختی

مقدار همبستگی	P-Value	مقدار χ^2	میانگین	کل		بالا		متوسط		پائین		دینداری متغیر
				%	F	%	F	%	F	%	F	
۰/۱۴۱ (وی کرامت)	۰/۰۰۵	۱۰/۴۸۵	۶۶/۰۴	۱۰۰	۲۶۵	۴۴/۹	۱۱۹	۲۵/۷	۶۸	۲۹/۴	۷۸	مرد
			۶۹/۵۰	۱۰۰	۲۵۹	۵۷/۹	۱۵۰	۱۶/۲	۴۲	۲۵/۹	۶۷	زن
			۶۷/۷۵	۱۰۰	۵۲۴	۵۱/۳	۲۶۹	۲۱	۱۱۰	۲۷/۷	۱۴۵	کل
۰/۱۸۵ (وی کرامت)	۰/۰۰۱	۱۷/۹۹۳	۶۴/۴۸	۱۰۰	۲۵۵	۴۲	۱۰۷	۲۳/۹	۶۱	۳۴/۱	۸۷	مجرد
			۷۰/۸۵	۱۰۰	۲۶۹	۶۰/۲	۱۶۲	۱۸/۲	۴۹	۲۱/۶	۵۸	متاهل
			۶۷/۷۵	۱۰۰	۵۲۴	۵۱/۳	۲۶۹	۲۱	۱۱۰	۲۷/۷	۱۴۵	کل
۰/۱۱۰ (کندل تاو-سی)	۰/۰۰۳	۱۵/۸۶۱	۶۶/۱۷	۱۰۰	۱۲۴	۴۶	۵۷	۲۵/۸	۳۲	۲۸/۲	۳۵	زیر ۲۵ سال
			۶۶/۱۶	۱۰۰	۲۳۷	۴۵/۶	۱۰۸	۲۱/۹	۵۲	۳۲/۵	۷۷	۲۵-۳۵ سال
			۷۱/۲۸	۱۰۰	۱۶۳	۶۳/۸	۱۰۴	۱۶	۲۶	۲۰/۲	۳۳	۳۵ سال و بیشتر
			۶۷/۷۵	۱۰۰	۵۲۴	۵۱/۳	۲۶۹	۲۱	۱۱۰	۲۷/۷	۱۴۵	کل
-۰/۱۶۶ (کندل تاو-سی)	۰/۰۰۱	۳۲/۹۵۴	۷۵/۳۱	۱۰۰	۴۷	۷۴/۵	۳۵	۱۴/۹	۷	۱۰/۶	۵	زیر دیپلم
			۶۹/۱۵	۱۰۰	۲۵۳	۵۴/۵	۱۳۸	۲۴/۵	۶۲	۲۰/۹	۵۳	دیپلم و فوق دیپلم
			۶۴/۶۵	۱۰۰	۱۶۹	۴۰/۲	۶۸	۲۰/۱	۳۴	۳۹/۶	۶۷	لیسانس
			۶۴/۴۰	۱۰۰	۵۵	۵۰/۹	۲۸	۱۲/۷	۷	۳۶/۴	۲۰	فوق لیسانس و بالاتر
۶۷/۷۵	۱۰۰	۵۲۴	۵۱/۳	۲۶۹	۲۱	۱۱۰	۲۷/۷	۱۴۵	کل			

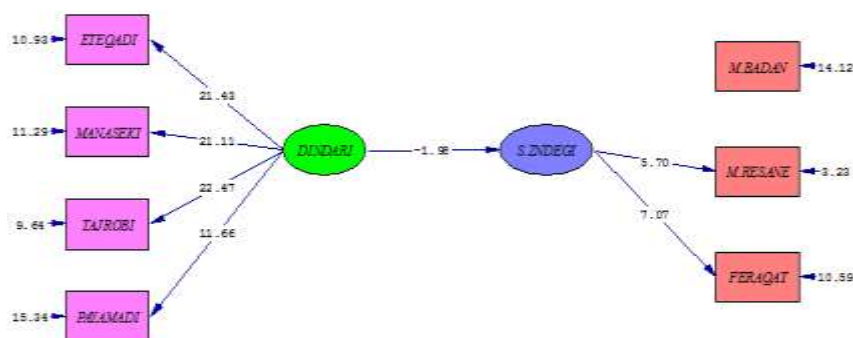
مدل معادلات ساختاری

نتایج تحلیل معادلات ساختاری در نمودار زیر منعکس شده است، با توجه به اینکه ضریب معنی‌داری فرضیه اصلی تحقیق بالای ۱/۹۶ بوده است ($t = -1/98$)، می‌توان ادعان داشت که دینداری بر سبک زندگی تأثیر معناداری داشته و ضریب استاندارد ($\beta = -0/11$) نیز نشان‌دهنده تأثیر معکوس دینداری بر سبک زندگی می‌باشد. به بیانی دیگر، با کاهش میزان دینداری، سبک زندگی با شدتی ضعیف مدرن‌تر خواهد شد. در ضمن با توجه به مطلوبیت شاخص‌های برازش مدل، می‌توان گفت که مدل معادلات ساختاری تأثیر دینداری بر سبک زندگی شهروندان تهرانی از برازش مناسب برخوردار است و داده‌های گردآوری شده به خوبی مدل مفهومی را مورد حمایت قرار می‌دهند.



Chi-Square=20.77, df=13, P-value=0.06700, RMSEA=0.023

شکل ۲: مدل معادلات ساختاری تأثیر دینداری بر سبک زندگی (در حالت استاندارد)



Chi-Square=20.77, df=13, P-value=0.06700, RMSEA=0.023

شکل ۳: مدل معادلات ساختاری تأثیر دینداری بر سبک زندگی (در حالت معنی داری)

جدول ۱۰: شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری تأثیر دینداری بر سبک زندگی

ردیف	معیارهای برازش مدل	نام اختصاری	مقدار	حد مطلوب	تفسیر
۱	نسبت کای دو به درجه آزادی	χ^2/df	۱/۵۹	< ۳	مطلوب
۲	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۹۳	> ۰/۹۰	مطلوب
۳	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده	AGFI	۰/۹۱	> ۰/۹۰	مطلوب
۳	شاخص برازش هنجار شده	NFI	۰/۹۴	> ۰/۹۰	مطلوب
۴	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۲	> ۰/۹۰	مطلوب
۵	شاخص برازش اضافی	IFI	۰/۹۵	> ۰/۹۰	مطلوب
۶	شاخص برازش نسبی	RFI	۰/۹۴	> ۰/۹۰	مطلوب
۷	ریشه مجذور مانده‌ها	RMR	۰/۰۴۸	حدود صفر	مطلوب
۸	ریشه میانگین مربعات خطای تقریب	RMSEA	۰/۰۲۳	< ۰/۰۸	مطلوب

نتایج حاصل از شاخص‌های برازش مدل در جدول شماره (۱۱) ذکر شده است که بر اساس آن، مقدار χ^2/df محاسبه شده ۱/۵۹ است، وجود χ^2/df کوچکتر از ۳ نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است. همچنین ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) می‌بایستی کمتر از ۰/۰۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰/۰۲۳ است. میزان مؤلفه‌های GFI ، $AGFI$ ، NFI ، CFI ، IFI و RFI نیز باید بیشتر از ۰/۹۰ باشد که در مدل مورد بررسی به ترتیب برابر ۰/۹۳، ۰/۹۱، ۰/۹۴، ۰/۹۲، ۰/۹۵ و ۰/۹۴ است. همچنین مقدار RMR نیز بایستی کوچکتر از ۰/۰۵ باشد که در مدل تحت بررسی برابر ۰/۰۴۸ است. با توجه به شاخص‌ها و خروجی‌های نرم افزار لیزرل می‌توان گفت که داده‌ها نسبتاً با مدل منطبق هستند و شاخص‌های ارائه شده نشان‌دهنده این موضوع می‌باشند که در مجموع مدل ارائه شده مدل مناسبی است و داده‌های تجربی اصطلاحاً به خوبی با آن منطبق می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی رابطه میان دو متغیر میزان دینداری و نوع سبک زندگی شهروندان کلان‌شهر تهران پرداخته و جهت تبیین نظری آن، نظریه پیر بوردیو مورد استناد قرار گرفته است. بوردیو در مطالعات سبک زندگی خود، به بررسی تمایزات موجود از منظر شیوه‌های مختلف تملک سرمایه و تأثیر آن در شکل‌گیری منظومه‌های متفاوتی از ذوق و قریحه پرداخته است. اهمیت سبک زندگی در دوران مدرن به جنبه شکل‌دهی آن باز می‌گردد که بر این اساس، هویت فردی و اجتماعی افراد در قالب‌های مختلفی بر اساس سبک زندگی گزیده شده، طرح و رنگ می‌پذیرد. با این حال همین سبک‌ها خود متأثر از بسیاری از عوامل از جمله اقتصاد، سیاست، فرهنگ،

دین و مذهب است. انتظار می‌رود در جامعه ایران، مذهب در جایگاه یکی از ارکان اساسی نظام اجتماعی، به عنوان یک سرمایه، تأثیر مهمی بر کنش و انتخاب سبک زندگی بر جای می‌گذارد. روش بررسی فرضیه‌ها در مطالعه حاضر روش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه می‌باشد و داده‌ها در قالب دو بخش توصیفی و تحلیلی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

در بعد توصیفی، یافته‌های آماری حکایت از آن داشتند که میانگین میزان دینداری حجم نمونه مورد بررسی ۶۵/۷۵ می‌باشد به طوری که اکثریت ۵۱ درصدی شهروندان مورد بررسی از میزان دینداری در سطح متوسط و بالاتر برخوردار بودند، لذا نمونه مورد بررسی از منظر پایبندی مذهبی و اعتقادات دینی در وضعیت نسبتاً مطلوبی به سر می‌برند. همچنین یافته‌ها نشان دادند که حجم نمونه در ابعاد پیامدی و مناسکی از میزان دینداری ضعیف‌تری برخوردار می‌باشند که این امر نشان از مشارکت مذهبی ضعیف در بعد اعمال و مناسک دینی (نماز جمعه، جماعت و...) در سطح شهر تهران دارد. متغیر وابسته مورد بررسی در مطالعه حاضر، نوع سبک زندگی می‌باشد که مطابق با یافته‌های آماری، ۴۶٪ از شهروندان از نوع سبک زندگی سنتی، ۲۷٪ مدرن و ۲۷٪ نیز از نوع سبک زندگی در حال گذار از سنتی به مدرن برخوردار می‌باشند. این امر نشان از حفظ مؤلفه‌های زندگی سنتی در جامعه رو به مدرن تهران دارد. به عبارتی جامعه مذکور، هم تا اندازه زیادی پایبندی خود را به سنت‌ها و ارزش‌ها و موازین دینی حفظ کرده است و هم تا حدی از جانب ساختارها و مؤلفه‌های جهان‌مدرن و مدرنیته غربی، مورد رسوخ واقع شده است، لذا از منظر ساختار اجتماعی، جامعه نه سنتی کامل است و نه مدرن کامل، چرا که نوع سبک‌های زندگی مدرن و در حال گذار مجموعاً در

حدود ۵۴٪ از شیوه زندگی شهروندان تهرانی را فراگرفته است. این جامعه در معرض امواج مدرنیته به واسطه ابزارها و رسانه‌های ارتباطی مدرن از جمله اینترنت، ماهواره‌ها و تبلیغات گسترده و... دائماً در حال گذار از سنت به مدرنیته و بازاندیشی در مؤلفه‌ها، هنجارها و ارزش‌های گذشته دینی خود می‌باشد. از این رو داشتن نوعی سبک زندگی ترکیبی که هم دارای معیارهای زندگی سنتی و هم شامل انتخاب‌ها و معیارهای زندگی مدرن می‌باشد، خصلت بارز زندگی در این جامعه می‌باشد و این موضوع به واسطه یافته‌های مطالعه حاضر در حجم نمونه مورد بررسی از شهروندان کلان‌شهر تهران که نمونه گویایی از جامعه در حال گذار ایرانی است، مورد تأیید قرار گرفته است.

در بعد تحلیلی، یافته‌ها بیانگر این امر می‌باشند که فرضیه اصلی مطالعه حاضر پیرامون ارتباط میان میزان دینداری با نوع سبک زندگی مورد تأیید قرار گرفته، به طوری که میزان دینداری افرادی که دارای سبک زندگی با مؤلفه‌های سنتی هستند، بالاتر از میزان دینداری افرادی است که در سبک زندگی‌شان، مؤلفه‌های مدرن زندگی، مشهودتر است. لذا به هر اندازه که افراد به سمت سبک‌های زندگی مدرن نیل پیدا می‌کنند، به همان میزان از اعتقادات و اعمال مذهبی و به طور کلی میزان دینداری‌شان کاسته می‌شود. بدین ترتیب عامل مذهب نقش مهمی در گزینش سبک زندگی دارد. نظریات بوردیو (۱۹۸۴)، ترنر (۱۳۸۷) و باکاک (۱۳۸۱) در این زمینه بر نقش دین، ارزش‌های دینی و سرمایه‌های مذهبی در سوق یافتن به سمت نوع خاصی از سبک زندگی در نظام‌های اجتماعی، صحنه می‌گذارند. باکاک بر این باور است که دین نه تنها مردم را نسبت به گزینش برخی سبک‌های زندگی ترغیب می‌نماید بلکه

تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کنترل فرهنگ مصرفی و سبک زندگی مصرفی دارد. رابطه معنادار اما نسبتاً ضعیف دو متغیر مذکور، حکایت از آن دارد که هر چه افراد دیندارتر باشند، کنش‌های روزمره آنان و سبک زندگی شان سنتی‌تر بوده و افرادی که میزان دینداری شان ضعیف‌تر باشد، سبک زندگی مدرن‌تری را اتخاذ می‌کنند. این یافته همسو با نتایج تجربی مطالعات کرمی قهی و زادسر (۱۳۹۲)، نیازی و کارکنان (۱۳۹۲)، نصرتی و ذوالفقاری (۱۳۹۱)، رحمانی فیروزجاه و سهرابی (۱۳۹۲)، خواجه نوری و همکاران (۱۳۹۲)، افسری و کرد (۱۳۹۳)، کاتزگرو (۱۹۹۸)، مینکلر و همکاران (۲۰۰۴)، هلت و همکاران (۲۰۰۵) و کاهل و همکاران (۲۰۰۸) می‌باشد. تحلیل متقابل ابعاد دو متغیر دینداری و سبک زندگی نیز نشان داد هر اندازه بر میزان دینداری افراد افزوده گردد، از میزان زمانی که صرف اوقات فراغت و مصرف رسانه می‌کنند، کاسته می‌گردد. در این زمینه میان دینداری و بعد مدیریت بدن هیچ گونه ارتباطی مشاهده نشد. مدل‌سازی معادلات ساختاری تأثیر دینداری بر سبک زندگی نیز حکایت از آن داشت که همسو با نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی پژوهش، با کاهش میزان دینداری، سبک زندگی با شدتی ضعیف، مدرن‌تر خواهد شد. در مجموع، یافته‌های این پژوهش، تأیید دوباره‌ای بر رابطه منفی میان دینداری و گرایش به سمت سبک زندگی مدرن می‌باشد. بنابراین، به لحاظ نظری، می‌توان با انجام مطالعات تکمیلی و برگزاری میزگردهای تخصصی به جست‌وجوی راه‌هایی برای تقویت و افزایش میزان دینداری در بین شهروندان پرداخت تا از این طریق، از آن نوع سبک زندگی که مدنظر دین بوده و به عنوان یک ارزش اجتماعی مطرح است، پاسداری نمود. به لحاظ کاربردی نیز، از آنجایی که مشخص شد سبک زندگی تا

حدودی متأثر از دین است، می‌توان با شناسایی و معرفی الگوهای دینی و سبک زندگی پیشوایان مذهبی، استخراج مؤلفه‌های سبک زندگی دینی، شاخصه‌ها و چارچوب‌های تعیین‌کننده مربوط به سبک زندگی دینی (همچون صله رحم و نقش آن در پرکردن اوقات فراغت) و گفتمان‌سازی آنها در راستای تقویت این ارتباط حرکت نمود تا از برآیند آن، بر ابعاد سبک زندگی (مصرف رسانه و اوقات فراغت) تأثیر گذاشت.

منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۳)، *مقدمه (جلد اول و دوم)*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، نشر علمی و فرهنگی.
- افسری، عبدالحمید؛ کرد، احمد (۱۳۹۳)، *بررسی تأثیر عقاید دینی در سبک زندگی جوانان (مطالعه تجربی در بین دانشجویان دانشگاه ملی کلمبیا)*، تهران: سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۱-۲۹.
- افشانی، سیدعلیرضا؛ فاضل نجف آبادی، سمیه؛ حیدری، محمد؛ نوریان نجف آبادی، محمد، پژوهشی در باب رابطه دینداری و اعتماد اجتماعی، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۴۹، صص ۲۱۷-۱۸۵.
- باکاک، روبرت (۱۳۸۱)، *مصرف*، ترجمه خسرو صبری، تهران، نشر شیرازه.
- باینگانی، بهمن؛ ایراندوست، فهیم؛ احمدی، سینا (۱۳۹۲)، *سبک زندگی از منظر جامعه شناختی: مقدمه‌ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی*، *فصلنامه مهندسی فرهنگی*، سال هشتم، شماره ۷۷، صص ۷۴-۵۶.
- بوردیو (۱۳۸۱)، *نظریه کنش؛ دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، انتشارات نقش و نگار.
- پورجلی، ربابه (۱۳۸۷)، *بررسی مقایسه‌ای سبک زندگی دو قوم کرد و آذری؛ مطالعه موردی قوم کرد و آذری شهر ارومیه*، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- ترنر، برایان (۱۳۸۷)، *مصاحبه دین و مدرنیته*، ترجمه هادی نیلی، سایت نشریه علمی اجتماعی جامعه‌شناسی ایران.
- حسینی‌زاده آران، سیدسعید (۱۳۹۱)، *تنهایی در شهر: بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس تنهایی (مطالعه موردی: جمعیت بالغ شهر تهران)*، پایان نامه کارشناسی ارشد،

- دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- حشمت یغمایی، محمدتقی، (۱۳۸۰)، **دینداری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- خواجه نوری، بیژن؛ ریاحی، زهرا؛ مساوات، سیدابراهیم (۱۳۹۲). رابطه سبک زندگی با میزان دینداری جوانان: مورد مطالعه جوانان شیراز، **فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر**، سال ۷، شماره ۲۰، صص ۱۳۰-۱۰۳.
- ربانی، رسول؛ رستگار، یاسر، جوان (۱۳۸۷)، سبک زندگی و فرهنگ مصرفی، **ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال سوم**، شماره ۲۳ و ۲۴، صص ۵۳-۴۴.
- رحمانی فیروزجاه، علی؛ سهرابی، سعیده (۱۳۹۲) بررسی جامعه شناختی رابطه بین سبک زندگی و دینداری (مطالعه موردی شهر ساری)، **فصلنامه پژوهش‌های علم و دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**، سال چهارم، شماره اول، صص ۶۰-۳۹.
- رحمت آبادی، الهام؛ آقابخشی، حبیب (۱۳۸۵)، سبک زندگی و هویت جوانان تهران، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال ۵، شماره ۲۰، صص ۲۵۴-۲۳۵.
- زهری بیدگلی، سیدمحسن (۱۳۸۹)، **بررسی تطبیقی سبک زندگی کارفرمایان و کارگران در ایران: مطالعه موردی کارفرمایان و کارگران شهرک صنعتی فرش**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- زیمیل، گنورگ (۱۳۸۸)، **مقالاتی درباره دین؛ فلسفه و جامعه‌شناسی دین**، شهناز مسمی پرست، تهران، نشر ثالث.
- سراج زاده (۱۳۸۳)، **چالش‌های دین و مدرنیته؛ مقاله بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی**، تهران، طرح نو.
- قادرزاده، امید؛ قادرزاده، هیرش؛ حسن پناه، حسین (۱۳۹۱)، تأثیر مصرف رسانه‌های

- جمعی بر مدیریت بدن، *فصلنامه زن و جامعه*، سال ۳، شماره ۳، صص ۱۵۴-۱۲۵
- کرمی قهی، محمد تقی؛ زادسر، زینب (۱۳۹۲)، سنجش بررسی رابطه دین داری و سبک زندگی (مطالعه موردی زنان ۲۰ ساله و بیشتر ساکن شهر تهران)، *فصلنامه زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۰۱-۸۵.
 - گیدنز (۱۳۷۷)، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
 - گیدنز (۱۳۷۸)، *تجدد و تشخیص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
 - نصرتی، شیما؛ ذوالفقاری، ابوالفضل (۱۳۹۱)، تأثیر میزان دینداری بر سبک زندگی جوانان تهرانی، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، سال ۴، دوره ۱۴، ۱۳۹۱، صص ۱۱۷-۱۰۱.
 - نیازی، محسن، کارکنان نصرآبادی، محمد (۱۳۹۲)، *بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی شهروندان مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۰*، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۶، صص ۱۷۳-۲۱۳.
 - وبر (۱۳۸۵)، *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
 - وبر (۱۳۸۷)، *دین، قدرت و جامعه*، ترجمه احمد تدین، تهران، هرمس.
 - وبلن (۱۳۸۳)، *نظریه طبقه تن آسا*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
 - هاشمیان فر، سیدعلی؛ هاشمی، مولود (۱۳۹۲)، بررسی نمودهای عرفی شدن دین در سبک زندگی جوانان شهر اصفهان (با تاکید بر نظریه عرفی شدن)، *فصلنامه جامعه شناسی کاربردی*، سال ۲۴، شماره ۴۹، صص ۱۷۶-۱۵۳.
 - Bourdieu, (1984), *Distinction: A Social Critique of Judgment of Taste*, Translated by Richard Nice, Routledge and Kagan Paul.
 - Harrington, (2001) "*From Hegel to the Sociology of Knowledge*", Theory, Culture and Society, Vol18, No6.

- Holt, C.L., Haire_Joshu, L.D., Lukwago, N.S., Lewellyn, A.I., Kreuter, (2005), "***The Role of Religious in Dietary Beliefs and Behavior among American Women***" Cancer Control, <http://www.moffitt.org/moffittapps/ccj/v12s5/pdf/84.pdf>.
- Kahle, L.R., Kau, A., Tambyan, S., Tan, S. & K, Jung, "***Religion, Religiosity, and Values, Implication For Consumer Behavior***", in Haugtredt, c.p., Merunka, D. and Warlop, I.(Eds), the la londa Seminar, 32nd International research Seminar in Marketing, La Londa- les- Maures, (2008), pp.245-259.
- Ketz-Gerro, T. Shavit, Y. (1998) ***The stratification of leisure and taste: classes and lifestyle in Israel***. European sociological Review, vol. 14, No.4, pp.369-386.
- Krause, Neal (2008),***The Social Foundation of Religious Meaning in Life, Research on Aging***, Vol. 30, No. 4, pp 395-427.
- Minkler,L. & M. Cosgel, (2004), "***Religion and Consumption***", University of Connecticut. <http://www.econ.unconn.edu> [Dec 2010].
- Simmel, (1990), *The Philosophy of Money*, Tom Bohmer and Pavid Frisby, Newyork: Rotledge.
- Weber, (1958), ***The Protestant Ethic and The Spirit of Capitalism***, trans. T. parsons, New York: scribner.